

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: میخائیل گاماندی-ایگوروف
برگردان: م. قربانی
۳۱ مارچ ۲۰۲۴

آینده دنیای معاصر و دلتنگ‌های دوران تک‌قطبی



اگرچه غرب از هر طریقی می‌کوشد نه تنها سناریوی شکست خود را انکار کند، بلکه تلاش می‌کند واقعیت پیدایش شکاف بین خود و حامیان دوران مدرن چند قطبی را نیز نادیده بگیرد، اما روندهای جاری، بدون توجه به خشم این اقلیت جهانی، شتابان پیش می‌رود.

رویدادهای معاصر بروشنی در مسیر تعیین خط مرزی پیش می‌رود که در آینده نه تنها بین بلوک ناتو-غرب و روسیه، بلکه به شکل کلی‌تر بین دلتنگ‌های دوران تک‌قطبی و نظم جهانی چند قطبی، شکل می‌گیرد. یعنی بین «اقلیت خالص» جهانی و اکثریت بشریت. بین کسانی که خود را موجوداتی «منتخب» و «استثنائی» می‌دانند، و آن‌هایی که به عکس، همه مردم را برابر می‌دانند.

طبیعتاً غرب به دلیل گستاخی شدید خود همچنان به گزافه‌گویی‌های خود درباره به اصطلاح «مرزهای ۱۹۹۱»، و «خروج کامل» نیروهای روسی از اوکراین ادامه می‌دهد. اما بدیهی است که این به دلیل سردرگمی مطلق آن‌ها نیز هست - عدم آگاهی از نحوه اعلام چنین سناریویی به افکار عمومی، به ویژه برای کسانی که به وعده‌های تبلیغاتی نظام (غربی) برای تحمیل به اصطلاح «شکست ستراتیژیک» روسیه باور دارند. البته انکار واقعیت از سوی رژیم دست‌نشانده کیف همچنان ادامه دارد، رژیمی که در هر حال تصمیم‌گیرنده نیست.

علاوه بر این، اگر قرار باشد به بیانیه‌های اخیر نمایندگان رئیس‌جمهور فرانسه بپردازیم، باید یک بار دیگر بر ترفیق در مورد تعیین خط مرزی تأکید شود. در واقع، بیانیه ماکرون در مورد نیاز به مداخله نظامی آشکار در صورت

بیشروی جبهه به سوی اودسا یا کیف - دقیقاً نشان می‌دهد که از یک سو، رژیم‌های غربی-ناتو کاملاً سناریوی را پیش‌بینی می‌کنند که در آن جبهه حتی بیشتر به نفع روسیه پیش می‌رود و ثانیاً این تز را تأیید می‌کند که با چنین تحولی، تعیین خط مرزی تنها سناریوی قابل قبول خواهد بود، چه شخصیت‌های غربی آن را بپسندند، چه نپسندند.

در واقع، سؤال امروز عمدتاً این است که بدانیم دقیقاً این خط تفکیک بین روسیه/ناتو، جهان چند قطبی/گروه نوستالژیک دوران تک قطبی، اکثریت جهانی/اقلیت جهانی، کجا کشیده خواهد شد و گزینه دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. به ویژه از آنجایی که رژیم‌های غربی، در درجه نخست انگلوساکسون‌ها به نمایندگی از لندن و واشینگتن، در روند مذاکرات مینسک و سپس در استانبول خرابکاری کردند. لذا حل مناقشه را در همان مرحله آغازین، به طور دقیق‌تر - در نخستین مرحله عملیات ویژه نظامی، از بین بردند.

از آن به بعد، آنان با واقعیت‌های متفاوتی مواجه هستند - و اقلیت‌های غربی باید آن‌را در نظر بگیرند. در مورد کارزارهای کنونی تشکیلات سیاسی و رسانه‌های غربی که تحولات و رویدادهای مربوط اوکراین را «ناعادلانه» می‌دانند باید گفت که کسانی که این وضعیت را به وجود آورده اند قطعاً نمی‌توانند از عدالت صحبت کنند. این‌ها همان کسانی هستند که طی سالیان دراز در نقاط مختلف جهان هرج‌ومرج به وجود آورده و گسترش داده اند - غرب آسیا، امریکای لاتین، در اروپا و در نقاط دیگر.

این بدان معناست که این خط مرزی باید تا آنجا که ممکن است به سمت غرب پیش برود. هم برای امنیت روسیه - و هم برای کل قلمرو ملی از جمله منطقه قدیمی جدید کشور. و همچنین برای اکثریت بشریت که در انتظار شکست ناتو-غرب هستند. این یک واقعیت است.

در مورد به اصطلاح تهدیدات ناشی از اقلیت جهانی غربی، امروز نمی‌توان و نباید برای ما «خط قرمز» وجود داشته باشد. توجه داشته باشیم که ما با رژیم‌های متخاصمی روبه‌رو هستیم که در سی و چند سال گذشته بارها این خطوط قرمز را زیر پا گذاشته اند. هم در رابطه با ما و هم در رابطه با تعداد فراوانی از کشورها و مردم در سراسر جهان. البته هرج‌ومرج در غرب هنوز تمام نشده است، ولی کم‌کم به پایانش نزدیک می‌شود - نه تنها در برابر نظم جهانی چند قطبی معاصر، بلکه با نظم تعدیل شده آینده - جهان چند قطبی پساعربی. جهانی که در آن اقلیتی نامتمدن، اگرچه ادعای خلاف آن را دارند، باید جایگاه خود را بدانند و به هر طریقی با اکثریت جهانی سازگار شوند.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
منتشر شده در تاریخ: ۱۶ مارچ ۲۰۲۴